

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه پیام نور

دانشکده : تهران مرکز
گروه علمی : الهیات و معارف اسلامی

عنوان پایان نامه:

بررسی قاعده بغی در فقه مذاهب پنج گانه

نگارش:

ریحانه منکاوی

استاد راهنما:

آقای دکتر مؤمنی

استاد مشاور:

آقای دکتر شعبانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

اردیبهشت ۱۳۹۱



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

مجمع علوم انسانی



دانشگاه پیام نور
دانشگاه پیام نور استان تهران
مهم گل لویک طرح راهبردی

شماره

تاریخ

پیوست

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش فقه و مبانی حقوق
تحت عنوان :

بررسی قاعده بغی در فقه مذاهب پنج گانه

نام خانوادگی : متکاوی
شماره پروژه : ۹۱۲۸
تاریخ دفاع : ۱۳۹۱/۲/۲۳
نام : ریحانه
شماره دانشجویی : ۸۷۰۰۰۶۸۸۶
ساعت : ۱۱-۱۲
نمره : ۱۹ نوزده
هیات داوران :
درجه ارزشیابی : عالی

داوران	نام	نام خانوادگی	کد استادی	مرتبۀ علمی	امضاء
راهنما	عابدین	مومنی	۴۱۰۳۵۳		
راهنمای دوم	-	-	-		
مشاور	محمد حسین	شعبانی	۳۷۱۰۲۲		
مشاور دوم	-	-	-		
داور	سید محمد	صدری			
داور دوم	-	-			
دبیر جلسه					

خیابان استاد نجات الهی
به خیابان کریمخان زند
رود سپهبد، پلاک ۳۳۳
۸۸۸۰۱۰۹۰
۸۸۸۹۰۵۳۶
WWW.TPNU.AC.IR
ensani@tpnu.ac.ir

تقديم به:

همسرم

تقدیر و تشکر

بی‌تردید تمام موفقیت‌های زندگی‌مان ناشی از الطاف و اسعه الهی است. خداوند سبحان را شاکرم که امکان ادامه تحصیل برایم فراهم شد تا بتوانم برای آینده کشورم فردی مفید و مؤثر باشم. موفقیت امروز خود را یقیناً مدیون فداکاری‌های دیروز پدر و مادرم می‌دانم. هر چه دارم از آنهاست. در سپاس از آنها زبانم قاصر است. عزت، آسایش و راحتی امروز خود را مرهون فداکاری‌های کسانی می‌دانم که از جان عزیز خویش گذشتند و برای سرفرازی ایران اسلامی هر آنچه داشتند در طبق اخلاص نهادند.

از راهنمایی‌های بی‌دریغ و ارزشمند استاد گرانقدر آقای دکتر مومنی که به عنوان استاد راهنما زحمت هدایت پایان‌نامه را قبول نمودند، قدردانی می‌کنم. از آقای دکتر شعبانی که زحمت مشاوره پایان‌نامه را به عهده داشته‌اند، تشکر می‌نمایم. از دوستان گرامی و عزیزم که مرا در انجام این تحقیق یاری نمودند، سپاسگزارم.

بی‌شک همسرم در کسب این موفقیت علمی سهم بسیار عمده‌ای داشته است. ایشان در طول این تحقیق سختی‌های بسیاری را تحمل نمود و همکار و پشتیبان قابل اعتمادی برای اینجانب بود. بر خود واجب می‌دانم از زحمات بی‌دریغش تشکر نمایم.

چکیده

«بغی» واژه‌ای قرآنی و فقهی است به معنای ظلم، فساد و تجاوز از حد و یا حق. یکی از مسائل مهم اختلاط «بغی» و «محاربه» می‌باشد که این دو موضوع کاملاً جدا از یکدیگر و بلکه متقابل هستند که در مواردی حکم «محاربه» به «بغی» سرایت کرده و خلط مبحث شده است. معنای اصطلاحی «بغی»، «خروج از اطاعت امام عادل و بر حق است. در «بغی»، عناصری دخیل است تا جرم «بغی» محقق شود که در ضمن این تحقیق آورده شده است. معنای اصطلاحی «محاربه» آن است که کسی برای ترساندن مردم، سلاح بکشد و قصدش فساد در زمین باشد که حکم آن در قرآن آمده است. ولی حکم و مجازات «بغی» در قرآن نیامده و حاکم شرع حکمی برای باغی به تناسب جرمش صادر می‌کند. پس حکم «محارب» حد و حکم «باغی» تعزیر است.

در متون اسلامی «جرم سیاسی» تحت عنوان کلمه «بغی» مطرح گردیده است و منشا انتخاب آن آیه شریفه نهم سوره مبارکه حجرات می‌باشد. از منظر فقه اسلامی، «جرم سیاسی» عملی را گویند که گروهی مسلمان که تشکیلاتی نیرومند و قوی بدست آورده‌اند و از فرمان و اطاعت ولی امر مسلمین در اثر شبهاتی بی‌اساس که برای آنان به وجود آمده خارج گردیده‌اند، با قصد و اختیار انجام دهند. همچنین در این تحقیق، نظرات مذاهب پنج‌گانه شرح داده شده و در فصل آخر نیز گفتمان فقهی شیعه و اهل سنت در خصوص جرم علیه امنیت ملت و دولت آورده شده است.

دو	تقدیم به
سه	تقدیر و تشکر
چهار	چکیده
پنج	فهرست مطالب

فصل اول - کلیات تحقیق

۱	۱-۱ مقدمه
۱	۲-۱ تعریف مسأله
۲	۳-۱ سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۳	۴-۱ فرضیه تحقیق
۴	۵-۱ اهداف تحقیق
۴	۶-۱ کاربرد تحقیق

فصل دوم - مروری بر مفاهیم

۵	۱-۲ بغی
۵	۱-۱-۲ تعریف لغوی و اصطلاحی بغی
۵	۲-۱-۲ بغی از منظر قرآن کریم
۶	۳-۱-۲ بغی از منظر احادیث
۷	۴-۱-۲ معنای بغی در فقه امامیه و مذاهب عامه
۱۰	۵-۱-۲ حکم خروج کنندگان بر امام
۱۴	۶-۱-۲ عناصر دخیل در تحقق جرم بغی

۱۵	۲-۲ محاربه
۱۵	۱-۲-۲ تعریف لغوی و اصطلاحی محاربه
۱۶	۲-۲-۲ جایگاه محاربه در قرآن کریم
۱۹	۳-۲-۲ محاربه در روایات اسلامی
۲۰	۴-۲-۲ محاربه در فقه امامیه و مذاهب عامه
۲۲	۵-۲-۲ باغی و محارب
۲۳	۳-۲ جرم سیاسی
۲۳	۱-۳-۲ تعریف جرم و سیاست
۲۴	۲-۳-۲ جرم سیاسی چیست
۲۵	۳-۳-۲ جایگاه جرم سیاسی در متون اسلامی
۲۸	۴-۳-۲ تعریف جرم سیاسی از منظر فقه و حقوق
۳۰	۵-۳-۲ تعریف وطن اسلامی
۳۱	۴-۲ افتراق و اشتراک
۳۱	۱-۴-۲ تفاوت محاربه با بغی و جرم سیاسی
۳۶	۲-۴-۲ خلط مبحث و اشتباه در قانون گذاری
۳۷	۵-۲ جمع بندی و نتیجه گیری
فصل سوم - جرم سیاسی	
۴۰	۱-۳ مقدمه
۴۱	۲-۳ جایگاه و تعریف جرم سیاسی
۴۱	۱-۲-۳ جایگاه جرم سیاسی در طبقه بندی جرائم
۴۲	۲-۲-۳ تعریف جرم سیاسی
۴۳	۳-۲-۳ تعریف جرم سیاسی از دیدگاه مجامع بین المللی
۴۳	۴-۲-۳ تعریف جرم سیاسی در پیش نویسهای پیشنهادی لایحه جرم سیاسی در ایران

۴۶	۳-۳ اقسام جرم سیاسی
۴۶	۱-۳-۳ اقسام جرم سیاسی و تاملی در برخی از جرائم
۴۸	۲-۳-۳ جرائم علیه امنیت خارجی کشور
۴۹	۳-۳-۳ جرم محاربه و افساد فی الارض
۵۰	۴-۳-۳ احکام محاربین از نظر مذاهب عامه
۵۳	۴-۳ استثنائات جرم سیاسی

فصل چهارم - بغی در اسلام

۵۶	۱-۴ مقدمه
۵۶	۲-۴ مجرمین سیاسی (بغات)
۵۶	۱-۲-۴ شخصی (یا درونی) بودن جرم سیاسی (بغی) و یا مادی و بیرونی بودن آن از نظر اسلام
۵۸	۲-۲-۴ آیا باغی کسی است که بر امام معصوم خروج نماید
۶۰	۳-۲-۴ شرایط جنگ با بغات یا مجرمین سیاسی
۶۱	۴-۲-۴ شروط تحقق بغی به عنوان جرم سیاسی
۶۲	۵-۲-۴ مقابله با اهل بغی از نظر مذاهب عامه
۶۷	۶-۲-۴ حقوق بغات پیش از شورش
۶۷	۷-۲-۴ حقوق بغات و مسوولیت آنها ضمن و بعد از شورش
۶۸	۸-۲-۴ سیره و سنت علی (ع) در برخورد با باغیان و مجرمان سیاسی
۷۰	۹-۲-۴ رفتار امام با اسیران و مجروحین جنگی
۷۰	۱۰-۲-۴ شیوه‌های برخورد با جرایم سیاسی در روایات اسلامی
۷۲	۱۱-۲-۴ حکم مال و اسرا از نظر مذاهب عامه
۷۴	۳-۴ چند اصل و قاعده مستنبطه فقهی
۷۶	۴-۴ نظریات مختلف در جرم سیاسی
۷۶	۱-۴-۴ تعریف جرم سیاسی از نظر اسلام

۷۷	۲-۴-۴ تعریف جرم سیاسی از نظر دانشمندان و مقایسه آن با جرم سیاسی از نظر اسلام
۷۸	۳-۴-۴ مزایای مجرمین سیاسی از نظر دانشمندان حقوق و اسلام
۸۰	۵-۴ بررسی قیام امام حسین (ع)
۸۰	۱-۵-۴ عامل بیعت
۸۳	۲-۵-۴ عامل دعوت مردم کوفه
۸۳	۳-۵-۴ عامل امر به معروف و نهی از منکر
۸۴	۶-۴ نتیجه

فصل پنجم - مقایسه گفتمان فقهی شیعه و اهل سنت

۸۶	۱-۵ گفتمان فقهی اهل سنت
۸۶	۱-۱-۵ جرم علیه امنیت ملت
۸۹	۲-۱-۵ جرم علیه امنیت دولت
۹۶	۳-۱-۵ نتیجه گیری
۹۶	۲-۵ گفتمان فقهی شیعه
۹۶	۱-۲-۵ جرم علیه امنیت ملت
۱۰۰	۲-۲-۵ جرم علیه امنیت دولت
۱۰۳	۳-۵ گفتمان فقهی در دوران معاصر
۱۰۸	۴-۵ نتیجه
۱۱۰	منابع و مأخذ

۱-۱ مقدمه:

از جمله مسائلی که از دیرباز حکومت اسلامی با آن مواجه بوده و هست، موضوع بغی و چگونگی مبارزه با اهل بغی است. در حقوق کشورها بسته به اینکه منشا قوانین براساس عرف یا شرع باشد، تعریف خاصی برای جرم شده است. در قوانین اسلامی نیز تعریف مشخصی از جرم شده است. اما آیا بغی نیز جرم است و برای آن مجازات خاصی ارائه شده است؟ آیا بین بغی و محاربه تفاوتی وجود دارد؟ مبارزه با بغات یا مجرمین سیاسی چگونه است و دستور اسلام راجع به کشته‌ها، مجروحان، اسیران، فراریان و اموال آنان چیست؟ در قانون فعلی بین بغی و محاربه اختلاط شده و حکم محاربه به بغی سرایت کرده است. با توجه به اینکه در محاربه، طرف شخص محارب مردم هستند که تحت حمایت خدا و رسول قرار دارند؛ لذا مجازات جرم محاربه بسیار شدید می‌باشد در صورتیکه در مقابل باغی یا مجرم سیاسی، حکومت و قدرت است که صاحبان آن امکان دفاع از خود را دارند. باغیان پیش از شورش و پس از آن حقوقی دارند که باید به آن عمل شود. همچنین بغی بغات آنها را از دین خارج نمی‌کند و زندگی آنها در جامعه اسلامی خالی از اشکال است. لذا به محض اینکه به راه خدا بازگشتند و جوب جنگ با آنها منتفی خواهد شد و مسوول جبران خسارت آنچه ضمن جنگ و شورش از بین برده‌اند نیستند. مهمترین الگو در منابع فقهی اهل سنت و شیعه، سیره و سنت حضرت علی (ع) در برخورد با باغیان و مجرمین سیاسی و رفتار ایشان با اسیران و مجروحان جنگی بوده است.

۱-۲ تعریف مساله:

بغی واژه‌ای است قرآنی و فقهی به معانی ظلم، فساد، طلب و خواستن، فجور، حسد، کبر، خود بزرگ بینی، تطاول و تجاوز از حد یا حق. برخی از این معانی از جمله طلب و حسد و کبر، معنای اصلی شمرده می‌شوند. بغی را بر دوگونه دانسته‌اند: بغی پسندیده؛ که گذر از عدل به سوی احسان و از واجبات به سوی مستحبات است و بغی ناپسند که تجاوز از حق به سوی باطل یا شبهات

است. مسلماً مشهورترین معنی برای بغی در فقه اسلامی که در واقع به صورت اصطلاح خاص در آمده است، طغیان و قیام (خروج) در برابر امام یا حاکم مشروع است.
سوالات اصلی:

- الف- بغی چیست و تفاوت آن با محاربه و جرم سیاسی در چیست؟
- ب- شروط تحقق بغی کدامند و آیا در قانون مجازات اسلامی مجازاتی برای این جرم در نظر گرفته شده است؟
- ج- بغی از جمله جرائم علیه امنیت ملت است یا جرمی علیه امنیت دولت و حکومت اسلامی؟
- د- نظرات سایر مذاهب چهارگانه در این باره چیست؟

۱-۳ سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

همانگونه که در فصول بعد توضیح داده خواهد شد مساله محاربه و بغی و جرم سیاسی دو مساله جدا از هم و بلکه متقابلند، هم از نظر مصداق و هم از نظر احکام و مجازات تفاوت‌های زیادی دارند و نباید این دو موضوع در قانونگذاری و یا در رسیدگی‌های قضایی با یکدیگر مخلوط و مشتبه شوند و تداخل پیدا کنند ولی متأسفانه در قانونگذاری ما چنین اشتباه غیرحقوقی و غیرشرعی رخ داده و خلط مبحث شده است و احکام محاربه به برخی از مصادیق بغی و جرم سیاسی آنهم بسیار وسیع و گسترده که در برخی از حوادث شاید تعداد آنها به هزاران انسان، بالغ گردد تسری پیدا نموده است و به همه آنها که از مصادیق بغی و جرم سیاسی هستند عنوان محاربه داده شده و بر مرتکبین آن جرائم احکام محارب بار می‌شود. به مواد زیر که در قانون مجازات اسلامی آمده است توجه کنید:

۱. ماده ۱۸۶ - هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند تمام افراد و هوا دارانی که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند.

تبصره: جبهه متحدی که از گروه‌ها و اشخاص مختلف تشکیل شود در حکم واحد است.

۲. ماده ۱۸۷ - هر فرد و یا گروهی که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای آن منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می باشند.

۳. ماده ۱۸۸ - هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پست‌های حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا بنحوی مؤثر باشد «محارب» و «مفسد فی الارض» است.

حال که به نقص یا کمبود و حتی خلط این چند موضوع پی بردیم باید به جهت روشن شدن مفهوم این چند واژه و تمایز میان تعاریف بغی از دیدگاه مذاهب پنج گانه به تحلیل این موضوع نیز پرداخته شود.

۱-۴ فرضیه تحقیق:

۱- بغی جرم سیاسی با ویژگیهای خاص است که در صورت تجمع آنها فرد مجرم سیاسی محسوب خواهد شد.

۲- عنوان بغی از عنوان محاربه هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ حکم جدای از هم هستند.

۳- هرکس به جنگ مردم برخیزد باید با او جنگید و با شدیدترین مجازات با او مبارزه و سرکوب نمود تا مردم در امنیت و آرامش و بی دغدغه زندگی کنند.

۴- اما در مورد باغی و شورشی با توجه به سوابق موجود اصل بر مصالحه و سازش و اکتفا به اقدامات در مسیر حفظ نظم و امنیت است و حاکم باید از انتقام جویی و قلع و قمع مخالفان امتناع کند.

۵- در اسلام و قرآن برای بغی، حد و مجازات مشخص و پیش‌بینی نشده است. یعنی قاضی می تواند طبق نظر خود و تناسب جرم حکم صادر نماید.

۶- به نظر کلیه مذاهب اهل سنت بغات کسانی هستند که بر امام خروج می‌کنند و قصد خلع یا جلوگیری افراد از اطاعت او را دارند و یا از انجام دادن امر واجبی جلوگیری می‌نمایند و در همه این امور دارای تاویل و توجیه هستند و با این تاویل است که افراد محارب تمیز داده می‌شوند.

۱-۵ اهداف تحقیق:

- ۱- تمیز احکام مربوط به بغات و محاربین و تفکیک مرز آنها.
- ۲- جبران نقص موجود در مواد قانونی مربوط به محارب و باغی.
- ۳- بررسی حقوق و وظایف بغات قبل و بعد از ارتکاب جرم.
- ۴- بررسی نظریات مذاهب پنج گانه در مورد بغی و احکام آن.

۱-۶ کاربرد تحقیق:

مهمترین کاربرد این تحقیق، زمینه‌سازی در خصوص اصلاح قوانین مربوط به بغی و جرم سیاسی در قانون مجازات اسلامی می‌باشد. همچنین امید است این تحقیق به سایر کارهای پژوهشی در دانشگاه‌ها و محاکم قضایی کمک نماید.

۲-۱-۱ بغی:

۲-۱-۱-۱ تعریف لغوی و اصطلاحی بغی:

«بغی» واژه‌ای قرآنی و فقهی است به معنی ظلم، فساد، طلب و خواستن، فجور، حسد، کبر و خود بزرگ بینی، تطاول و تجاوز از حد یا حق. برخی از این معانی، از جمله طلب و حسد و کبر، معنای اصلی آن شمرده شده است [ابن منظور، ۱۴۱۰ق] راغب اصفهانی و ابن عربی «بغی» را بر دو گونه دانسته‌اند: [ابن عربی، ۱۳۷۸ش: ج ۱/۵۷]

«بغی پسندیده» که گذر از عدل به سوی احسان و از واجبات به سوی مستحبات است و «بغی ناپسند»، که تجاوز از حق به سوی باطل یا شبهات است. دلیل راغب برای این تقسیم‌بندی، دو آیه از قرآن کریم^۱ است که بغی در آنها با کلمه «ناحق» مقید شده است و این بدان معناست که بغی همیشه ناروا نیست. در لغت‌نامه دهخدا بغی در بیشتر موارد به معنای ظلم و ستم، جرم و جنایت، نافرمانی و عصیان، باران بسیار و هر تجاوز و افراط بر مقداری که حد چیز است، می‌باشد.

مسئلاً مشهورترین معنی برای بغی در فقه اسلامی، که در واقع به صورت اصطلاح خاص درآمده است، طغیان و قیام (خروج) در برابر امام یا حاکم مشروع است که از آیه ۹ سوره حجرات مستفاد می‌شود: هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به نبرد برخاستند، باید برای برقراری صلح میان آنها تلاش کرد؛ ولی اگر یکی از دو گروه نسبت به دیگری سرکشی و تعدی روا دارد باید با گروه متجاوز پیکار کرد تا به امر خداوند باز گردد. به استناد این آیه و آیاتی دیگر و نیز احادیث، احکام «بُغات» (باغیان) فصلی متمایز در منابع فقهی است. [قرطبی، ۱۹۸۵م: ج ۱۶/۳۲۲-۳۱۵]

۲-۱-۲ بغی از منظر قرآن کریم:

بغی و مشتقات آن ۹۶ بار در قرآن کریم به کار رفته است و در فرهنگ‌نامه‌های لغات قرآن و منابع تفسیری بیشتر به معانی یاد شده دیده می‌شود [شیخ، ۱۴۱۲ق: ج ۱/۳۴۸] به نظر راغب، «بغی» در قرآن بیشتر به معنای نکوهیده آن به کار رفته است و به معنای طلب، معمولاً به صیغه ثلاثی مجرد

^۱ آیه شریفه ۲۳ سوره مبارکه یونس و آیه شریفه ۴۲ سوره مبارکه شوری

مضارع (مانند يَبْغُونَ) یا یکی از مشتقاتِ باب افتعال (ابتغاءَ مرضاهُ الله) آمده است، در حالی که بغی به معنای ظلم و تجاوز از حدّ یا حقّ، بیشتر به صورت فعل ثلاثی مجرد ماضی (بغی، بَغَت) دیده می‌شود. [راغب اصفهانی، بی تا: ۳۴۲]

از جمله معانی قرآنی بغی، که در فقه (به استناد آیه ۹ سوره حجرات و آیات دیگر) به صورت اصطلاح خاص درآمده، «خروج از اطاعت امام عادل و برحق» است؛ همچنانکه در برخی آیات واژه «باغی» همراه با «عادی» آمده که درباره مفهوم آن دو، علاوه بر تفاسیر در منابع فقهی نیز بحث شده است. در مورد «بغی» در قرآن کریم آیاتی آمده است:

الف) هرگاه دو طایفه از مسلمانان با یکدیگر جنگیدند بین ایشان سازش ایجاد کنید و اگر یکی از آنها سرکشی کرد پس با آن طایفه سرکش بجنگید تا به راه خدا بازگردد و اگر بازگشت، بین ایشان با داد و قسط سازش برقرار کنید که خداوند دادگران را دوست دارد.^۱

ب) همانا مومنان با یکدیگر برادرند پس میان برادرانتان خود سازش برقرار کنید و از خدا بترسید شاید رحمت خداوند متعال شامل حالتان شد.^۲

ج) ای کسانی که ایمان آوردید از خدا و پیامبر و پیشوایان فرمانبرداری کنید.^۳

۲-۱-۳ بغی از منظر احادیث:

در احادیث نیز بغی به معنای تجاوز از حدّ، عدول از حق، ظلم، طلب رفعت و گردنکشی و بزرگی فروشی است. در بسیاری احادیث، «بغی» (که ظاهراً در آنها به معنای ظلم و تکبر شدید به کار رفته) خصلتی ناپسند و مستوجب کیفر دنیوی و اخروی دانسته شده است [مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲۷۶/۷۲]. در برخی منابع علم اخلاق نیز، بغی به مفهوم اخیر یا به طور کلی به معنای «عصیان و سرباز زدن از اطاعت کسی که پیروی از وی واجب است»، یکی از پلیدترین انواع کبر شمرده شده

^۱ آیه شریفه ۹ سوره مبارکه حجرات

^۲ آیه شریفه ۱۰ سوره مبارکه حجرات

^۳ آیه شریفه ۵۹ سوره مبارکه نساء

است. نراقی با اشاره به برخی احادیث، انقیاد و پیروی از پیامبران و امامان علیهم السلام و نایبان آنها را راه درمان این رذیله اخلاقی ذکر کرده است. [نراقی، ۱۹۶۷م: ج ۴۰۱/۱]

واژه بغی و مشتقات آن در برخی احادیث، به ویژه در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه، به معنای عصیان و سرکشی در برابر امام و حاکم اسلامی به کار رفته است؛ از جمله آن حضرت (خطبه ۱۹۲) تعبیر «اهل بغی» را درباره محاربان با ایشان یعنی ناکثان، قاسطان و مارقان به کار برده‌اند و در نامه‌ای به معاویه، بدان توسل جسته‌اند^۱. همچنین این حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشهور است که «عمار را گروهی باغی می‌کشند» [ابن عربی، ۱۳۷۸ش: ج ۴/۱۷۱۷]. این حدیث معیاری برای شناخت حق و باطل در مناصمات صدر اسلام بوده، به گونه‌ای که شهادت عمار به دست سپاه شام در جنگ صفین موجب تزلزل لشکر معاویه و بروز مشکلاتی برای وی شد. بر این اساس، به تصریح بیشتر منابع فقهی و کلامی، در صدق عنوان «باغی» بر برپادارندگان جنگ-های دوران خلافت ظاهری حضرت علی علیه السلام، به ویژه خوارج، نمی‌توان تردید کرد. [شهید ثانی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۰۷/۲]

۲-۱-۴ معنای بغی در فقه امامیه و مذاهب عامه:

«بغی» را صاحب جواهر شیخ محمد حسن نجفی به «خروج از اطاعت امام عادل» تعریف کرد و علامه حلی آن را خروج از اطاعت امام بدون صفت «عادل» می‌داند با این توضیح که شیعیان در امام «عصمت و بی‌گناهی» و در نایب او و رئیس دولت اسلامی «عدالت» را شرط می‌دانند. بنابراین اگر صفت «عدالت» از رئیس دولت و نایب امام حذف شود دیگر نایب امام نخواهد بود. «باغی» کسی است که علیه امام عادل قیام و از دادن حقوق او (زکات) خودداری و از اجرای دستور او خواه آنچه به حقوق مردم مربوط می‌شود و خواه آنچه حق خداوند است (حق الله) سرپیچی کند و با او به جنگ برخیزد. [نجفی، ۱۳۶۳ش: ج ۲۱]

^۱ - نهج البلاغه، نامه ۴۸

مرحوم آیت الله سیداسماعیل صدر در شرحی که به منظور تطبیق موارد با فقه شیعه بر کتاب استاد عبدالقادر عوده نوشته در خصوص شرط عدالت توضیح می‌دهد؛ نظر غالب در مذاهب چهارگانه اهل سنت این است که ظلم و فسق و تعطیل حقوق باعث عزل خود به خودی امام (به معنی رئیس دولت) نمی‌شود و تحقق این امور مجوز قیام علیه او برای عزل کردنش نیست زیرا چنین تجویزی باعث بی‌ثباتی کشور و فراوانی فتنه و انقلاب و درهم ریختگی امور مردم می‌شود. [صدر، بی تا] البته اقلیتی از علمای اهل سنت نظری جز این دارند و فسق به ظلم را موجب انعزال (عزل خود به خودی) امام (رئیس حکومت) می‌دانند. اما فقهای شیعه بر این عقیده‌اند که اگر حاکم یکی از امامان دوازده‌گانه باشد با توجه به معصومیت آنها امکان انجام اعمال ظالمانه از جانب آنها وجود ندارد اما هنگامی که در زمان غیبت معصوم به نیابت از وی عهده‌دار امور می‌شوند هرگاه ظلم و ستم کنند به خودی خود منعزل می‌شوند زیرا نتیجه ظلم فسق و خارج شدن از عدالت است که عدالت شرط لازم برای حاکم است.

با این وجود هرچند مفهوم بغی و باغی در فقه اسلامی تا حدودی روشن است و به طور کلی بر ستیزه جویی و عصیان در برابر حاکم اسلامی دلالت می‌کند؛ مذاهب مختلف اسلامی درباره جزئیات این اصطلاح و ضابطه تعیین باغی اختلاف نظر دارند.

از نظر فقهی، امام ابتدا باغیان را به پیوستن به امت اسلامی و التزام به اطاعت الهی فرا می‌خواند. اگر آنان نپذیرند و به قتال اصرار ورزند، امام همراه مؤمنان با آنان مقابله می‌کند [شهید ثانی، ۱۴۰۳ق: ج ۲/۴۰۷]. ابن عربی، فقیه مالکی، قتال با باغیان را واجب کفایی می‌داند، زیرا که چند تن از صحابیان پیامبر (صلی الله علیه وآله و سلم) از شرکت در نبردهای سه‌گانه امام علی علیه السلام با اهل بغی امتناع ورزیدند. به عقیده مذاهب عامه، جز حنفیان، از آنجا که مقصود فقط دفع شر افراد باغی است، اسیران آنان کشته نمی‌شوند و فراریانشان را نیز نباید تعقیب کرد. همچنین اموال آنان تا هنگامی که به بغی ادامه دهند، نزد امام محبوس خواهد شد. باغیان ضامن اموالی که در جنگ تلف می‌کنند یا افرادی که به قتل می‌رسانند نیستند، هرچند که ابوحنیفه و شافعی (بنابر یک قول) آنها را ضامن می‌دانند [ابن عربی، ۱۳۷۸ش: ج ۴/۱۷۲۱-۱۷۱۹]. البته بنابر تمامی مذاهب عامه، اگر افراد باغی قبل از تجمع و

سنگر گرفتن یا پس از شکست خوردن موجب تلف مال یا جان مردم شوند، مشمول ضمان می‌گردند. درباره چگونگی اقامه حدود درباره باغیان، در صورتی که مرتکب جرایم مستلزم حد شوند، میان مذاهب مختلف اهل سنت اختلاف وجود دارد. [زحیلی، ۱۴۱۸ق: ج ۱۴۵/۶]

بنابر فقه امامی، قتال با اهل بغی به سه شرط واجب است: (۱) اگر در حصار و قلعه‌ای باشند که دفع شر آنان جز با پیکار ممکن نباشد؛ (۲) از محدوده اقتدار امام خارج شوند و در جایی دیگر مثلاً بیابان گرد آیند؛ (۳) جدایی آنان از امام و جماعت مسلمان به دلیل و تأویلی باشد که آنان را در زمره راهزنان و محاربان قرار دهد. با درخواست امام از هر فرد برای پیکار با باغیان، یاری به امام امری واجب می‌شود و تا زمانی که غائله با پیروزی امام و نابودی اهل بغی یا توبه و اطاعت آنان یا فرار آنان از میدان جنگ به پایان نرسیده، پیکارگران حق رها کردن جبهه را ندارند.

اهل بغی به دو گروه اند: برخی مانند اصحاب جمل دارای رئیس و تشکیلات منسجم (فئه) نیستند و برخی دیگر مانند جنگ افروزان صفین رئیس و گروه منسجمی دارند. در حالت نخست، برخلاف حالت دوم، مجروحان کشته نمی‌شوند و فراریان تعقیب نمی‌گردند و در هر صورت، فرزندان آنها اسیر نمی‌شوند. هرگاه باغیان جنگ را رها کنند یا سلاح خود را بیفکنند یا به امام تسلیم شوند، قتال با آنها حرام می‌شود؛ ولی اگر به گروه خود بازگردند، نبرد با آنها و تعقیب و کشتن آنان جایز است. اسیران اهل بغی به دستور امام حبس می‌شوند ولی کشته نمی‌شوند. امام می‌تواند از اهل ذمه برای نبرد با باغیان کمک بگیرد، ولی اگر آنان به یاری اهل بغی برخیزند، از احکام ذمه خارج می‌شوند [شهید ثانی، ۱۴۰۳ق: ج ۴۰۷/۲]. در فقه امامی، درباره اموال باغیان پس از خاتمه پیکار، اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها، از جمله سیدمرتضی، ابن ادریس و شیخ طوسی، در بعضی آثار خود، برآنند که به غنیمت گرفتن اموال آنان جایز نیست و پس از پایان جنگ باید بازپس داده شود. در برابر، برخی فقها از محقق حلی، به استناد سیره حضرت علی علیه السلام در جمل، که اجازه به غنیمت گرفتن اموال و سپس اجازه استرداد آنها را دادند، این کار را جایز می‌دانند. [محقق حلی، ۱۹۶۹م:

ج ۴۶۶/۴-۴۶۲]

۲-۱-۵ حکم خروج کنندگان بر امام :

ائمه و علما اتفاق نظر دارند که اطاعت از امام کامل در هر امری تا زمانی که معصیت خدا نباشد واجب است و حکم و اوامر امام و نایب و امیر او نافذ و معتبر است. حال اگر گروهی قدرتمند بر امام مسلمانان شورش کنند و یا از اطاعت او سر باز زنند هرچند تاویلی مشتبه داشته باشند بر امام جایز است با آنها بجنگد تا اینکه به امر خداوند بازگردند که در این صورت دست از آنها بر می‌دارد. اصل و مبنا در جواز مقابله و جنگ آنها در کلام خداوند است (سوره حجرات آیه ۹) هرچند در آیه، خروج علیه امام را ذکر نکرده، اما به علت شمولیت آیه، این مساله را نیز شامل می‌شود، زیرا وقتی خداوند درباره ظلم گروهی به گروه دیگر خواستار مقابله با ظلم شده پس ظلم به امام برای مقابله اولی‌تر است. اجماع هم در جواز مقابله با باغیان دلالت دارد و نیز احادیثی در این باره وارد شده است.

شافعی هم نقل کرده که شیوه و روش من همان سیره پیامبر در مقابله با مشرکان و شیوه ابوبکر در جنگ با مرتدان و روش امام علی در جنگ با باغیان ستمگر است.

مخالفت با امام به دو روش است: ۱- شورش علیه امام. ۲- عدم اطاعت از او. و یا به طریق عدم پرداخت حق‌الله از مال خود و یا حق‌الناس مانند قصاص، یا عدم پذیرش حدی که برایش تعیین شده. زیرا ابوبکر با کسانی که مانع برداشتن زکات از مالشان بودند جنگید و آنها علیه او شورش نکرده بودند بلکه از پرداخت حقی که بر عهده‌شان بود ابا می‌کردند.

و مخالفان امام در صورتی بغات محسوب می‌شوند که به علت کثرت نفرات یا توان و نیرو، قدرتمند باشند و یا ممانعت از پرداخت حقی که بر آنان واجب است را جایز می‌دانند، شرط است.

حنفیه گفته‌اند: آنان که از اطاعت امام بر حق خارج شده‌اند، ۴ گروهند:

اول) افرادی که بدون هیچ تاویل جدیدی از دین علیه امام شورش کرده‌اند (بدون مقاومت) و اموال مردم را می‌گیرند و راهها را ناامن می‌کنند که اینان راهزن نامیده می‌شوند.

دوم) شبیه گروه اول هستند جز اینکه آنها تاویل جدیدی دارند، حکم آنها هم حکم راهزن است.